

## نگاهی به مبارزات زنان در کردستان ایران

### گلرخ قبادی

مدتهاست که این سوالات ذهن خیلی از مبارزین را به خود مشغول کرده است.

چرا مبارزه برای حقوق زنان کردستان؟

مختصات این مبارزات کدام است؟

برای پاسخ و بررسی این سوالات لازم است به اختصار هم که شده به چند مسئله پردازم. ابتدا بررسی و سابقه مبارزاتی زنان کردستان ایران و سپس وضعیت کنونی این مبارزات و آینده آن.

### بررسی این مبارزات

جامعه کردستان سالهاست که تحت ستم‌های گوناگون، طبقاتی، ملی، مذهبی و... قرار دارد. مضاف بر این ستم‌ها، باید به ستم جنسی بعنوان معضل بزرگی در جامعه کردستان اشاره کرد. مبارزه برای رفع ستم ملی همواره در صدر قرار گرفته و به اصل جدایی ناپذیر مبارزات این ملت تبدیل شده است. اگر تاکنون همه اقشار و طبقات گوناگون این ملت برای سرنگونی حاکمیت دیکتاتوری و رفع ستم ملی مبارزه کرده است. اکنون این مبارزه ابعاد تازه‌تری، همچون حقوق ستم‌دیدگان، رفع ستم ملی و رفع ستم جنسی بخود گرفته است. ستم جنسی در کردستان سابقه‌ای طولانی و تاریخی دارد. مبارزه با این ستم در تاریخ این مبارزات، معمولاً موکول به بعدها و یا بعد از دست یافتن به دولت ملی شده است.

اکنون مطالبات جنبش زنان هم ردیف و همزمان با خواستهای جنبش ملی، طبقاتی و مذهبی و... بیان می‌گردد. زیرا تاریخ مبارزات زنان کردستان و تلاش مبارزین این راه، ثابت کرده که بدون در نظر گرفتن حقوق زنان هیچ حاکمیت دمکراتیکی در ایران و کردستان برسمیت شناخته نخواهد شد. اشاره‌ای مختصر به تاریخ این مبارزات و خواستهای زنان این امر را بوضوح روشن خواهد ساخت.

تاریخ مبارزه زنان به سالهایی برمیگردد که مستوره اردلان را پرورش داد و او را همچون یک زن کردستانی به اولین زن تاریخ نویس خاورمیانه تبدیل کرد.

به مبارزات زنان در جنگهای گوناگون کردستان که با لباس و هویت مردانه در جبهه‌ها شرکت میکردند.

به مبارزات زنانی بر میگردد که زنی همچون قدم خیر<sup>۱</sup> را به رهبری قیام پشتکو رساند. و یا به مادرانی که در خانه و به تنهایی و با پیوستن مردان به صفوف مبارزه، برای زنده ماندن بچه‌هایشان و ادامه زندگی و در نهایت برای زنده ماندن ملتشان پرمشقت‌ترین زندگی همچون، بیکاری، جنگ، تجاوز، گرسنگی و آوارگی را به جان خریدند. این رویدادها را هم بندرت تاریخ نویسان بحساب مبارزات زنان و تلاش زنان برای زنده ماندن ملتی و ادامه نسل جدید بحساب آورده‌اند. زیرا تاریخ نویسان ما اغلب مرد هستند<sup>۱</sup> و تاریخ جنگهای مسلحانه خودشان را مینگارند و آنرا به اسم خود ثبت میکنند، و کوشش و مبارزات زنان را در این راه نادیده مینگارند.

---

این زن مبارز بر علیه ظلمها و بی عدالتی‌های حکومت رضا شاه به پا خواست. مدت پنج سال با حکومت رضا خان با شجاعت و دلیری کم نظیری جنگید. سرانجام شاه هیچ چاره‌ای نداشت و با دسیسه او را به مذاکره صلح دعوت نمود. ۱۷ نفر از فرماندهان قیام را تیر باران نمود و بدین ترتیب قیام آنها به پایان رسید و قدم خیر را دستگیر و تا آخر عمر در زندان شاه پیر و فرسوده شد. از کتاب: گزیده‌ایی از: زنان نامدار کرد. تالیف عبدالجبار محمد اجباری. ترجمه: احمد محمدی.

تاریخ زنان کردستان به سالهایی برمیگردد، که زنانی دلسوز و مبارزی همچون حفصه خان<sup>۲</sup>، مینا خان<sup>۳</sup> و ده‌ها زن دیگر علاوه بر کمک به رفع مشکلات زنان در ایجاد مدارس دخترانه و تلاش برای فرستادن دختران به مدارس در عرصه‌های دیگر مبارزه کردند. این تاریخ به سالهایی برمیگردد که زنان روزنامه نگار و نویسنده و شاعر و خواننده و هنرمند تابوها را شکسته و تلاش کردند خود را در عرصه‌های گوناگون هنر ظاهر کنند. مانند روشن بدرخان<sup>۴</sup> شاعر و روزنامه نگار، مریم خان<sup>۵</sup> خواننده خوش صدا و محبوب مردم و سرانجام زن ناشناس و اندیشمند قرن حاضر خانم روناک یاسین<sup>۶</sup> (۱۹۲۰-۲۰۰۲) محقق، اسطوره شناس، تاریخ نگار، منتقد و استاد دانشگاه‌های هاروارد و دوبلین. و ده‌ها زن دیگر.

این تاریخ به سالهایی برمیگردد که زنان کردستان همراه با زنان جهان برای بدست آوردن حقوق خود به پا خاسته و مبارزه کردند. برای برابری میان زنان و مردان و رشد افکار و عقاید فمینیستی در کردستان و شناسایی آن به مردم تلاش کردند. سرانجام این تاریخ به سالهای اخیر و امروز میرسد، که اندیشه و خواسته‌های زنانه وارد عرصه‌های ادبیات، سیاست، اجتماع و اقتصاد در کردستان شده است. اما این تلاشهای ارزنده چه یادگاری برای ما به جای گذاشت و چه درسهایی را به ما داده است.

### دوران سلطنت پهلوی

با تکیه بر این تاریخ و ادامه این تلاشها بود که دختران و پسران کردستان در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی مبارزات خود را با الهام از مبارزات جهان، ایران و کردستان و با ایدئولوژی چپ و مارکسیستی، به رشد آگاهی و متشکل خود کردن همت گماشتند. این جوانان آگاه تشکلهای گوناگون و مخفی را بوجود آوردند.

عده‌ای از این جوانان از همان اوایل با مبارزات چریکی آن دوران جهان و ایران مرزبندی کرده و با پیروی از خط مشی توده‌ای، با جهت گیری کارگری و تلفیق آن با مسئله ملی جاری در کردستان فعالیت را آغاز کردند. بدین ترتیب این جوانان ضمن تلاش در بوجود آوردن یک تشکیلات منسجم، برای گسترش فعالیتهای خود در میان کارگران و زحمتکشان روستاها و شهرها و زنان زیر پوشش شغل‌های گوناگون مانند معلمی، کارساختمانی، کشاورزی و... به فعالیت پرداختند. سرانجام تصمیم جمعی این مبارزین منجر به تشکیل سازمان چپ و مارکسیستی کردستان بنام کومه‌له شد.

با شروع تظاهرات برای سرنگونی رژیم شاه و شرکت زنان در تظاهراتها و اعتراضات برای آزادی زندانیان سیاسی، عرصه تازه‌ای از مبارزات زنان شروع شد. آنها مبارزاتشان را از کنج خانه‌ها به خیابانها کشاندند و پذیرای رشد افکار چپ و مترقی شدند. با جهل و عقب ماندگی و قوانین مذهبی و مرد سالاری مبارزه کردند. سرانجام خیلی از سدها و تابوها را شکستند، و بدین ترتیب در همه عرصه‌های گوناگون مبارزه شرکت کردند.

### سال ۱۳۵۷ و شروع انقلاب

<sup>۲</sup> از کتاب: گزیده‌ایی از: زنان نامدار کرد. تألیف عبدالجبار محمد اجباری. ترجمه: احمد محمدی.

<sup>۳</sup> زنان و ناسیونالیسم در جمهوری کردستان سال ۱۹۶۴ شهرزاد مجاب

<sup>۴</sup> از کتاب: گزیده‌ایی از: زنان نامدار کرد. تألیف عبدالجبار محمد اجباری. ترجمه: احمد محمدی.

<sup>۵</sup> از کتاب: گزیده‌ایی از: زنان نامدار کرد. تألیف عبدالجبار محمد اجباری. ترجمه: احمد محمدی.

<sup>۶</sup> از کتاب: گزیده‌ایی از: زنان نامدار کرد. تألیف عبدالجبار محمد اجباری. ترجمه: احمد محمدی.

با شروع انقلاب ما شاهد دو گرایش فکری برجسته، مذهبی - چپ و سوسیالیستی در جامعه ایران و کردستان، بودیم. گرایش مذهبی:

مسلمانان طرفدار خط فکری رهبرشان مفتی زاده را در بر میگرفت و در تشکیلاتی به اسم مدرسه قرآن متشکل بودند. نقش و شرکت زنان در این تشکیلات بسیار ضعیف بود. این گرایش از همان ابتدا از دید شریعت اسلام سنی (بقول خودشان "اسلام ناب محمدی" نه اسلام خمینی)، با زنان و آزادیهای آنها مبارزه میکرد. با تحت فشار گذاشتن و اذیت و آزار زنان تلاش می کردند از مبارزات زنان مبارز جلوگیری کنند. بعنوان مثال جلوگیری از رفتن زنان به مساجد برای شرکت در جلسات اعتراضی، شرکت در تظاهراتها و فعالیت و رفت و آمد زنان به مقرهای سازمانهای سیاسی و.....

رعایت حجاب اسلامی بعلت اینکه جزو آداب و سنن مذهب سنی نبوده، نه در دوران تظاهراتها و نه بعد از انقلاب و آزادی شهرها مطرح نشد. این امر در سال ۱۳۵۹ بعد از اشغال کردستان توسط جمهوری اسلامی و حمله به آزادیهای مردم، قانونا به مردم تحمیل شد.

گرایش چپ و سوسیالیستی:

این گرایش که سابقه نسبتا طولانی در ایران و کردستان داشت، از همان روزهای اول انقلاب در کردستان بعنوان گرایش اصلی این مبارزات مطرح گردید.

عوامل موثر نفوذ و گسترش این گرایش عبارت بودند از:

خواست مسئله ملی، وجود اکثریتی سنی مذهب، نفوذ و اعتبار احزاب چپ، همچون کومه له، چریکهای فدایی خلق و پیکار و.....، عضویت زنان و مردان جوان در این سازمانها و بوجود آمدن محیطی آزاد برای رشد افکار چپ و آزادیخواهی در میان جوانان و مردم، و به تبع آن عقب نشاندن گرایشهای مذهبی و عقب مانده جامعه، همگی اینها و مسائلی دیگر از این نوع سبب شدند که اوضاع کردستان در مقایسه با شهرهای ایران در مبارزه با جمهوری اسلامی شکل دیگری بخود بگیرد.

با شروع انقلاب و علنی شدن احزاب، دو حزب اصلی کردستان حزب دمکرات کردستان و کومه له شروع به فعالیت کردند، و توانستند به نیروی با نفوذ در جامعه کردستان تبدیل شوند.

### حاکمیت جمهوری اسلامی

با بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی و صدور اولین فرمان خمینی در مورد حجاب اجباری، زنان کردستان هم همراه با زنان ایران بر علیه این فرمان، تظاهرات وسیعی بر پا کردند. در این تظاهرات برای اولین بار و بعد از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی به رهبری خمینی شعار، نه روسری نه توسری، مرگ بر این دیکتاتوری سر داده شد. چند روز بیشتر از حاکمیت این رژیم نگذشته بود که اولین جنگ کردستان از شهر سنندج شروع شد. با شروع این جنگ زنان در بیمارستانها و کمک رسانی به جبههها و تامین مایحتاج مردم، از طریق بنکها (تشکیلاتهای محلات) نقش برجسته ای را ایفا کردند.

### شورای زنان

اولین دستاورد زنان در این دوره تشکیلاتهای علنی زنان تحت عنوانهای شورای زنان و یا اتحادیه زنان و تشکیلات زنان (کوری نافر تان)، در اکثر شهرهای کردستان بود. این تشکیلاتها در ارتباط با یکدیگر کارهای هماهنگی را پیش میبردند. هدف آنها بسیج زنان روشنفکر برای رشد آگاهی مردم و تشکل زنان در روستاها، حاشیه شهرها، کارگاههای قالی بافی و.... به منظور مبارزه برای احقاق حقوق اجتماعی بود.

## حمله به دستاوردهای مردم

با حمله جمهوری اسلامی به شهرهای کردستان در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ و آمدن جلااد جمهوری اسلامی خلخالی و صلب آزادیهای مردم و برچیدن تشکیلاتهای دمکراتیک و غیر قانونی کردن فعالیتهای سازمانها و احزاب اپوزیسیون، جنگها و کشتارها و اعدامها شروع شد. جوانان زیادی در سراسر کردستان دستگیر شدند، و در مدت زمان کوتاهی حکم اعدام آنها بدون محاکمه صادر و اجرا شد. در تمام این مدت زنان با تحصن و تظاهراتهای خیابانی و راهپیمایها پای ثابت مبارزه با این اعدامها بودند. ولی این جلادان زمان به هیچ مادر و فرزندی رحم نکردند.

نیروی پیشمرگه برای مقابله با حکومت و حفظ دستاوردهای انقلاب تشکیل شده و از شهرها خارج و به روستاها روی آور شدند.

تشکیلات پیشمرگان را مردان جوان تشکیل دادند و زنان مبارز در شهرها تشکیلاتهای مخفی را باز سازی کرده و به فعالیتهای خود در میان مردم شهر و روستا ادامه دادند. همزمان به دیگر وظایف تشکیلاتی هم مانند ارتباط برقرار کردن بین تشکیلاتهای شهرها، ارتباط با نیروی پیشمرگه، جمع آوری کمکهای مالی و تدارکاتی، چاپ و پخش نشریات و اخبار سازمانها، انتقال مبارزین از شهرهای ایران به مناطق آزاد پیشمرگان و دهها فعالیت دیگر از این نوع را انجام می دادند. در اینجا جای خود دارد که فعالیت مادران و همسران پیشمرگان را همچون نقطه برجسته مبارزات این دوران در نظر داشته و از آن قدردانی کنیم.

## یورش جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰

این یورش با موج خفقان و حکومت نظامی اعلام نشدهای شروع شد که هر صدایی را در گلو خفه کرد. با حمله به تشکیلاتها موج دستگیری و اعدامها دوباره از سر گرفته شد و در این رابطه زنان زیادی دستگیر و مورد تجاوز و وحشیانه ترین شکنجهها قرار گرفتند و بسیاری از آنان اعدام شدند. تعداد زیادی از این زنان هم به نیروی پیشمرگه تشکیلاتها بخصوص تشکیلات کومه‌له که بیشترین زنان فعال و مبارز را با خود داشت پیوستند.

## مبارزه مسلحانه زنان

پیشمرگه شدن زنان و پیوستن به صف مبارزه مسلحانه خود مستلزم مبارزه با مرد سالاری و عقب ماندگیها در جامعه بود. زیرا این عرصه تا آن مقطع در تاریخ کردستان عرصه‌ای مردانه بود و پا گذاشتن به این عرصه و شکستن این سد مبارزه‌ای سخت را هم در سطح جامعه و هم در صفوف تشکیلاتها میطلبید. گرچه با توجه به تاریخ زنان کردستان ما اولین مبارزین مسلح این راه نبودیم. ولی این دوره دارای خصوصیات مشخصه‌ای بود که آنرا با تاریخ خود متمایز میساخت.

✓ زنان مصمم و آگاه برای سرنگونی رژیم دیکتاتور و بنیاد نهادن جامعه‌ای سوسیالیستی مبارزه میکردند.

✓ زنان نه تنها به مثابه فرد و به منظور نیروی کمکی و پشت جبهه که سنتا وظیفه زنان بوده ظاهر شدند بلکه بصورت جمع رزمنده و با وظایفی برابر با مردان نیز خود را تعریف کردند.

✓ مبارزه برای برابری حقوق زنان و مردان را در دستور کار خود قرار داده بودند.

بدینسان دور تازه‌ای از مبارزات زنان در کردستان آغاز شد. در تاریخ کردستان این تابو شکنی بنام زنان کومه‌له و کومه‌له ثبت شد.

## جمهوری اسلامی در کردستان هیچگاه آرامش بخود ندید

اگر جمهوری اسلامی توانست هرگونه صدای آزادیخواهی را در ایران با موج عظیم دستگیریها و کشتارهای وحشیانه و اعدامها خفه کند. اما در کردستان هیچ گاه نتوانست آرامش به خود ببیند. با اینکه تشکیلاتی در شهرها باقی نمانده بود، ولی زنان در تجمعات

کوچک دور هم جمع میشدند و با رفتن به مناطق آزاد و کسب خبر، اخبار پیشمرگان را به یکدیگر و مردم میرساندند. در عملیات‌های نظامی پیشمرگان در داخل شهرها در امر خبر رسانی و مخفی کردن پیشمرگان و زخمی‌ها و رساندنشان به محل‌های امن و امکانا به شهرهای دیگر ایران برای معالجه و دهها نوع از این کارها به تشکیلاتها کمک میکردند. کمکهای مالی جمع میکردند و به وسیله زنان و مخصوصا مادران به دست پیشمرگان میرساندند. نشریات کومه‌له و سازمانها را دست به دست پخش میکردند. زیر پوشش تولد فرزندانشان روزهای تاریخی مانند روز جهانی زن، اول ماه مه، روز کومه‌له و همینطور جلسات بحث و... را برگزار میکردند. این فعالیتها زمانی انجام میگرفت که هر نوع تجمعی کاملا ممنوع بود. از شهرها و روستاها زنان به صفوف پیشمرگان می‌پیوستند. اینها فقط گوشه‌های کوچکی از فعالیت‌های این دوره زنان است. در همین جا باید از تمام زنان روستاهای کردستان برای کمک و پشتیبانی بی‌دریغشان از پیشمرگان قدردانی کرد. این دلیران که به جرأت می‌توان گفت یکی از ستونهای اصلی سرپا ماندن جنبش حق طلبانه ملت کرد بودند با تمام توان خود تلاش داشتند به پیشمرگان کمک کنند. سفره فقیرانه‌شان همیشه برای پیشمرگان باز بود. در تکاپو بودند امنیت و آسایش آنها را فراهم سازند. زخمیها را در خانه‌های خود مخفی می‌کردند، گروه‌های عملیاتی را در محل‌های امن مخفی می‌کردند، به مادران مان کمک کرده و آنها را به گروه‌های پیشمرگان و فرزندانشان میرساندند. و دهها وصدها فداکاری دیگر. که به راستی جای قدردانی است.

### وضعیت مبارزاتی در شهرها

دولت در دهه ۶۰ زنان زیادی را مخصوصا به دلیل خویشاوندی با پیشمرگان (همسر، خواهر، مادر) و سابقه سیاسی، از کار اخراج کرد. بسیاری از آنها با کارهای دیگری مانند قالی بافی، خیاطی و... زندگی فقیرانه خود و فرزندان‌شان را می‌گذراندند و همچنان تسلیم ناپذیر در برابر جمهوری اسلامی به مقاومت و مبارزه خود ادامه میدادند. دولت به این هم بسنده نکرد. دهها خانواده و صدها نفر را از خانه و کاشانه خود به شهرهای دور افتاده ایران تبعید کرد. ولی این زنان در آنجا هم آرام ننشستند و با مقاومت در برابر فشارهای رژیم و تبلیغ بر علیه جمهوری اسلامی و افشای سیاستهای آنها طرفداری مردم منطقه را به خود جلب کردند. جنگ ایران و عراق علاوه بر تاثیرات خانه‌مان سوزش بر جان و مال مردم، سبب ویرانی اقتصادی و بیکاری در میان مردم شد. فشار اقتصادی بر مردم، و روی آوری زنان به اشتغال بر اثر فشار و فقر مالی خود عاملی شد که جمهوری اسلامی را عملا وادار به عقب نشینی از محدودیتهای شغلی آنان نمود.

روی آوری دختران و زنان به تحصیلات دانشگاهی و کسب تخصصهای گوناگون علمی و اجتماعی، عملا جواب دندان شکنی به محدودیتهای دولت برای منع ۱۲۴ رشته دانشگاهی از زنان و بیکار سازی و اخراج آنها از مشاغل گوناگون و سعی در خانه نشین کردن آنها بود. تحصیلات زنان و روی آوری آنها به اشتغال و نیازهای اجتماعی سبب مطرح کردن خواستههای آنها شد. انکار خواستههای زنان از طرف دولت و بوجود آوردن محدودیتهای و تدوین قوانین ضد زن همگی عواملی برای مبارزه زنان برای بدست آوردن حقوق حقه خود بودند که با اعتراض از طریق نشریات، کتابها و سایت‌های فمینیستی شروع شد. بدین شیوه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی به زیر سؤال کشیده شد. جلسات و تظاهراتهای گوناگون همچون مراسمهای هشت مارس و نوشتن قطعنامه‌هایی در این رابطه و مشخص کردن خواستههای زنان سازمان داده شد. مبارزه با زن کشی و قتل‌های ناموسی و آداب و رسوم عقب مانده و افکار عشیرتی و مرد سالاری در کردستان آغاز شد. در نهایت تشکلهای دموکراتیک و علنی به منظور مبارزه برای خواستههای زنان بر پا شد. همگی اینها و دهها مورد دیگر نمونه‌هایی از پویایی و شکوفایی جنبش زنان است. که فعالان و پیشروان خود را آبدیده کرده است.

این جنبش بعنوان بخشی از مبارزات سراسر ایران، و بخشی از جنبش زنان ایران و همراه با آنها برای رفع ستم جنسی و قوانین تبعیض آمیز دولتی میان زنان و مردان و دهها قوانین نابرابر دیگر مبارزه میکند، و نیز بعنوان زنان کردستان برای رفع ستم ملی و جنسی هم در حال مبارزه است. و از طرفی دیگر با مبارزات زنان سایر بخشهای دیگر کردستان هم سرنوشت بوده از آنها درس گرفته و بر آنها تأثیر داشته و در این راه میکوشد.

عقب ماندگی جامعه کردستان که ناشی از نبود مراکز صنعتی در کردستان و کمبود اشتغال برای زنان طبقات پائین اجتماع و عدم استقلال اقتصادی زنان در مقیاس وسیع و همگانی و ناآگاهی توده زنان به حقوق حقه خود، مبارزه با افکار عشیرتی و مرد سالاری، چند همسری، ازدواج در سنین پائین، زن به زن ( ازدواج بصورت تعویض دو زن از دو خانواده با همدیگر)، ختنه زنان، خود سوزی، قتلهای ناموسی و دهها آداب و رسوم عقب مانده و سنتی دیگر از مسائل و مشکلاتی است که زنان در کردستان با آن دست به گریبانند. در سالهای اخیر زنان مبارز و آگاه به شیوه‌های گوناگون به مبارزه با آنها برخاسته‌اند.

اگر به زمینه‌های دیگری هم مانند شعر و ادبیات، موسیقی و فیلم زنانه نگاهی بیاندازیم، در فرهنگ کردی جایی ندارند. در زمینه شعر و موسیقی گرچه قدمهایی برداشته شده است ولی هنوز در ابتدای کار است. اینجا باید از سد شکنان این راه تقدیر کرد. زیرا آنها نه تنها نوآوران این راه‌اند بلکه مقاومین سرسخت مبارزه با افکار مرتجعانه و عقب مانده و مذهبی هم هستند.

### درسهای این مبارزات

مروری مختصر بر این مبارزات نشان داد علیرغم فداکاریهای مبارزین این راه و انتخاب ایدئولوژی مارکسیستی و برابری طلبانه و آزادیخواهانه باز هم مطالبات زنان طی سالهای طولانی زیرکوهی از مطالبات دیگر پنهان ماند. این سازمانها با علیرغم اعتقاد و تلاش درستشان برای رفع ستم جنسی و دهها نابرابری دیگر، دست یافتن به خواستههای زنان را فقط به رفع مالکیت خصوصی و استقرار جامعه سوسیالیستی موقوف کردند. به مبارزات دمکراتیک زنان، برجسته کردن خواستههایشان، و بوجود آوردن تشکلهایی در این رابطه بی توجه بودند. گرچه تلاش برای بوجود آوردن جامعه سوسیالیستی به خودی خود و برای رهائی بشریت درست و غیر قابل انکار است. ولی واقعیت این است که برای رسیدن به این جامعه راههای طولانی در پیش است و از این راهها بدرستی استفاده نشده است. این امر و فشارها و خفقان جمهوری اسلامی سبب شده که علیرغم تلاش بیدریغ زنان برای احقاق حقوق خود هنوز در ابتدای کارند و در هر تغییر و تحولی خواستههای آنها در حاشیه قرار گرفته و به بعدها موقوف شده است. مضاف بر این در کردستان به دلیل وجود ستم ملی ستم جنسی مورد توجه قرار نگرفته و بعنوان ستم مضاعف به رسمیت شناخته نشده است. زنان کرد نیز همانند دیگر اقشار جامعه کردستان مورد ستم مضاعف قرار می‌گیرند.

عدم شناخت صحیح از جامعه کردستان سبب شده است که خصوصیات و راه‌حلهای مبارزاتی جنبش زنان را نتوانیم بدرستی دریابیم. در اینجا میخواهم توجه کسانی که مدعی هستند برجسته کردن این خصوصیتها (تمایزات و تفاوتهای جنبش زنان در کردستان) سبب جدایی و تفرقه بین مبارزات زنان کردستان با زنان ایران و جهان خواهد شد جلب کنم. بنظر من برجسته کردن خصوصیات و ویژگیهای مبارزه در مناطق و جوامع مختلف نه تنها سبب تفرقه نخواهد شد بلکه سبب دست یافتن به تحلیل درست و یافتن راه‌حلهای مشخص برای به پیش بردن مبارزه‌ای متحدانه‌تر خواهد شد.

در سالهای اخیر و با رشد مبارزات زنان و آگاه شدن آنها به حقوق خود تشکلهای دمکراتیک هم با خواستههای زنان بوجود آمد. گرچه این خواستهها هنوز ابتدایی و در سطح تغییر بعضی قوانین دولتی بوده و به خواستههای اساسی نرسیده است، ولی تا همینجا هم بسی تلاش و کوشش فعالان این راه را نشان میدهد که به قیمت دستگیری، شکنجه، و نثار جان و مالشان بوده است. قدر مسلم این

است که نه این خواستها و نه هیچ خواست دمکراتیک دیگری با وجود و حضور جمهوری اسلامی به ثمر نخواهد رسید. ولی همگی این تلاشها در آگاهی توده‌ها و افشای جمهوری اسلامی تاثیرات بسزایی داشته و خواهد داشت. در اینجا نباید نقش برجسته مردان و مخصوصا مردان آگاه و مبارز را در مبارزه با افکار عقب مانده و مرد سالارانه از نظر دور داشت که تاکنون و در مراحل گوناگون این مبارزات تاثیرات بسزایی داشته است، زیرا بدون همیاری و کمکهای آنها و بدون وجود سایر تشکلهای مبارزاتی، مبارزات زنان به ثمر نخواهد رسید.

انشعاب در میان سازمانهای چپ در کردستان در سالهای اخیر، گرچه به خودی خود نشانه‌ای از رشد افکار و نظرات گوناگون و رشد جامعه است، و می‌توانست سبب دامن زدن به رشد افکار نو و پیدا کردن راه کارهای تازه مبارزاتی شود. اما متأسفانه سبب تشتت و عدم انسجام در مبارزات احزاب و توده‌های مردم و همچنین تشکیلاتهای زنان گشته و در نهایت در پراکندگی مبارزات زنان بی تاثیر نبوده است. اکنون زنان بیش از هر موقعیت دیگری به تشکیلاتهایی با خواستهای مشخص خود نیاز دارند. این خواستها بر مبنای نیازهای امروز جامعه و خواستهای زنان باید مطرح شود. در انقلابی دیگر و حاکمیتی دیگر ما زنان هم باید دارای برنامه و خواستهای مشخص خود باشیم، و از هم اکنون در مورد آنها تبلیغ کرده و آن را به آگاهی عمومی مردم و مخصوصا زنان تبدیل کنیم. زیرا آگاهی فمینیستی و رشد مبارزات زنان به مرحله‌ای رسیده است که میشود این انتظار را از فعالان جنبش در کردستان داشت و منتظر برنامه و پلاتفرم آنها بود.

بعنوان ختم کلام، زنان کردستان دارای تجربیات و تاریخ مبارزاتی خود هستند. در این راه فعالان و رهبران زیادی پرورش یافته‌اند. کردستان بنا به وجود ستم ملی جنسی و عقب ماندگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای مختصات مبارزاتی خود بوده و تلاش فعالان این راه را با مشخص کردن خواستهای خود میطلبد. این جنبش بعنوان بخشی از مبارزات زنان با سایر اقشار و طبقات در ایران هم سرنوشت و بخش جدایی ناپذیر این مبارزات بحساب می‌آید و تا سرنوشتی جمهوری اسلامی و رسیدن به جامعه‌ای آزاد و دمکراتیک تلاش خواهد کرد. از طرفی دیگر بدلیل هم سرنوشتی مبارزاتی، زنان با سایر بخشهای دیگر کردستان، دست در دست این مبارزات دارد.

۰۱۰۳۰۲۰۱۰